

چون آنان تناول نمودند، دارای اندک خیر و شکر و عافیت و ایام آرزویند  
 در حین امتناع از آن، بجز همان آنگاه که مقلض است، و در بعضی از اینها  
 و آنرا در آیه آیه و در بعضی از آیه ها در بعضی از آیه ها در بعضی از آیه ها  
 یکی از علماء بزرگ حوزه علمیه

بسمه تعالی

(۲)

## پرتوی از انوار آسمانی

چون برای يك نشریه دینی . خاصه انتشارات مکتب  
 تشیع ؛ بحث تفسیری هم لازم بود ، بناداشتیم برای  
 تأمین این منظور بحثی عنوان شود . خوشبختانه  
 سلسله مقالات « پرتوی از انوار آسمانی » این جهت را  
 بنحو احسن تأمین کرد ، چه گذشته از آنکه ضمن این  
 مباحث هدف بحث که « غیبگوئیهای قرآن » است تعقیب  
 میشود ، بخوبی آیه مورد نظر هم تفسیر میگردد . ماضن  
 اظهار تشکر از مقام منیع نویسنده دانشمند امیدواریم  
 که خوانندگان محترم حداکثر استفاده را از این اثر  
 عالی بفرمایند . مکتب تشیع

### مقایسه داستان آدم از نظر قرآن و تورات

۵ - یکی از جهاتی که انسان خردمند را در مقابل قرآن ؛ وادار  
 بتسلیم و خضوع مینماید ، داستانهای این کتاب آسمانی است که بایک  
 مقایسه سطحی با تورات ، معلوم میشود که اصل مطلب را که همان وحی  
 الهی است ، قرآن بیان فرموده و دستهای ناپاک جعل و تحریف ؛ تورات

مقدس را آلوده نموده است .

برای نمونه ، داستان خلقت حضرت آدم را که در اول تورات عربی که نزد این جانب است ، خلاصه و ترجمه نموده و برشته تحریر در می آورم و پس از آن قصه خلقت آدم را نیز بطور خلاصه از قرآن کریم نقل نموده و داوری آن را بعهده خواننده میگذاریم .

تورات موجود میگوید : «خدا آدم را از خاک خلق نمود ؛ و باد زندگی در دماغ آن دمید ، تا آدم زنده شد . خداوند در شرق عدن باغستانی آفریده و در او درختان زیبا غرس نموده و آدم را در چنین باغستانی جای داد . در بین درختان این باغستان دو درخت نیز بود : یکی درخت زندگی ، و دیگری درخت آگهی بر بدو نیک ؛ رود بزرگی از این باغستان میگذشت که پس از گذشتن در آن بچهار نهر بزرگ تقسیم میشد ، بنامهای : جیحون - فرات - فیشون - حدافل - خداوند بآدم فرمود که او می تواند از تمام محصول این باغستان استفاده نماید غیر از درخت مخصوصی که آن درخت آگهی بر بدو بود و باو تذکر داد که اگر از این درخت تناول کنی خواهی مرد ، پس از آن خداوند حیوانات چرنده و پرنده و خزنده را خلق فرمود آنان و آدم را احضار فرمود و اختیار اسم گذاری آنان را بآدم محول فرمود . در بین این حیوانات مار از همه مکارتر بود ، و هم او بود که سبب بدبختی آدم شد . چه آنکه مار بجوا زوجه آدم گفت که او از این درخت مخصوص بخورد و گفت : تناول از او موجب مردن نشده ؛ بلکه موجب اطلاع بر خوبی و بدی خواهد شد . حوا بوسوسه مار از آن درخت تناول نمود و بآدم نیز خوراند و در نتیجه معلوم شد آنچه مار گفته بود ، مقرون بحقیقت بود .

چون آنان تناول نمودند ، دارای ادراك خیر و شر گردیدند و لذا از عریانی خود شرمنده شدند ، چون موقع ظهر شد ، خدا بیبہشت آمد و در آن باغستان راه میرفت ، آدم و زوجه او مخفی شدند . خدا آنان را صدازد و فرمود کجا هستید ! آنها جواب دادند : ما برهنه هستیم خدا فرمود : معلوم میشود از آن درخت مخصوص خورده اید که از برهنگی خود شرمنده هستید ، لذا آنان را از این باغ مجلل بیرون کرد ، بعد از آنکه اگر باز هم در بہشت باقی بمانند از درخت دیگری که اثر تناول از میوه آن حیات ابدی است خواهند خورد و با خدایان دیگر امتیازی نخواهند داشت ، این بود خلاصه ای از داستان خلقت آدم ابوالبشر ، مطابق آنچه در تورات موجود است .

و اینک خلاصه داستان ایجاد آدم را از قرآن که در موارد مختلفه یاد فرموده برشته تحریر در آورده و چنانچه قبلاً گفته شد ، داوری آن را بعهدہ خوانندگان میگذارم .

« خداوند متعال بملائکہ فرمود کہ من در نظر دارم یک موجود بشری را از گل خلق نموده و او را جانشین قرار دهم . ملائکہ گفتند : مقصود از ایجاد بشر چیست در صورتیکہ این سنخ موجود فساد و خونریزی میکند و ما جنس فرشتگان بدون فساد تسبیح و تقدیس مقام ربوبیت را بجا می آوریم (۱) خداوند پس از خلقت آدم حقائق اشیاء را با او آموخت موقعیکہ

(۱) و اذ قال ربك للملائكة اني جاعل في الارض خليفة فاوا ان جعل فيها من يفسد فيها ويسفك الدماء ونحن نسبح بحمدك ونقدس لك قال اني اعلم مالا تعلمون (سوره بقره)

و اذ قال ربك للملائكة اني خالق بشر ائمن صلصال من حماء مسنون فاذا سويته و نفخت فيه من روحي فقعوا له ساجدين (آیه ۲۸ و ۲۹ سوره حجر)

ملائکة بر این دریای دانش واقف شدند از آدم استفاده نموده و متوجه سر حکمت حق متعال گردیدند و در نتیجه نقطه ابهامی که برای آنان پدید آمده بود مرتفع گردید (۱) پس از خلقت آدم و میدن روح الهی با پذیرفتن صورت انسانیت، خدای متعال آنچه را بنحو تعلیق و پیش گوئی از ملائکه خواسته بود ثانیاً بطور جزم از آنان خواست، پس بملائکه فرمود:

باین موجود بشری که دارای لطیفه ربانی است سجده کنند تمام فرشتگان امر خداوند متعال را اطاعت نموده و آدم را سجده کردند، (۲) ولی شیطان آن موجودیکه خداوند متعال او را از آتش خلق فرموده بعد از اختلاف در مبدأ خلقت و تصور اینکه موجود آتشی بر خاکی برتری دارد، زیر بار اطاعت حق نرفته و آدم ابوالبشر را سجده نکرد (۳) و این موجود آتشی تا آخر در مقابل جنس بشر تسلیم نشده و با او دشمنی میکند (۴)

(۱) و علم آدم الاسماء كلها ثم عرضهم على الملائكة فقال انبئوني باسماء هؤلاء ان كنتم صادقين قالوا سبحانك لا علم لنا الا ما علمتنا انك انت العليم الحكيم قال يا آدم انبئهم باسمائهم فلما انباهم باسمائهم قال الم اقل لكم اني اعلم غيب السموات والارض واعلم ما تبءون وما كنتم تكتمون (آیات شریفه ۲۹ و ۳۰ و ۳۱ از سوره بقره)

(۲) و لقد خلقناكم ثم صورناكم ثم قلنا للملائكة اسجدوا لادم فسجدوا الا ابليس لم يكن من الساجدين (سوره اعراف آیه ۱۰)

(۳) قال ان اخير منه خلقتني من نار و خلقته من طين (سوره اعراف آیه ۱۱)

(۴) ان الشيطان للانسان عدو مبين (سوره يوسف)

خداوند متعال آدم و زوجهٔ او را در بهشت سکونت داده و آنان را در هر گونه بهره برداری مجاز فرمود، ولی از يك درخت مخصوص نهی فرمود و فرمود: اگر از آن درخت تناول کنید بزحمت خواهید افتاد و بخودتان ظلم نموده اید (۱) شیطان قیافهٔ نصیحت آمیز بخود گرفته و حتی برای آنان سوگند یاد کرد که من خیر شما را طالبم و آنان را ترغیب نمود که از آن درخت مخصوص بخورند آدم پیمان الهی را فراموش نمود و بیدبختی خود اقدام نمود و خود و زوجه اش از آن درخت خوردند بمحض چشیدن از این میوه ممنوع بدیهای آنان نمایان گردیده و بابر گهای بهشتی پنهان نمودند شیطان باین وسیله وضع کرده آنان را تغییر داد پس از این مخالفت و تغییر وضع، خداوند متعال امر فرمود که در زمین مسکن گرفته و از آن بهره مند شوند. آدم از این پیش آمد پشیمان شده و بدستوری که از مقام ربوبی الهام گرفت، توبه نمود. خداوند منان توبهٔ او را قبول فرمود و در نتیجه سطح جامعهٔ بنی آدم را از زندگی حیوانی که منحصر با استفاده مادی میباشد، بجامعه انسانی ترقی داد و فرمود پس از این واقعه از طرف من راهنمایانی خواهند آمد (۲)

(۱) وقلنا یا آدم اسكن انك و زوجك الجنة و کلا منها رغداً حیث شئتما ولا تقربا هذه الشجرة فتكونا من الظالمین (آیه ۳۳ سوره بقره) وقلنا یا آدم ان هذا عدوك و لزوجك فلا یخرجنكما من الجنة فتشقی (سوره طه آیه ۱۱۵) و لقد عهدنا الی آدم من قبل فنسى ولم نجد له عزماً (سوره طه آیه ۱۱۴) و قاسمها انی لکما لمن الناصحین . فذلیمها بغرور فلما ذاقا الشجرة بدت لهما سوآتهما (آیه ۲۰ و ۲۱ سوره اعراف)

(۲) فازلیم الشیطان عنها فاخرجهما مما کانا فیہ وقلنا اهبطوا بعضکم

هر کس از آنان پیروی کند ابداً ترس و اندوهی نخواهد داشت و آنانکه سرپیچی نموده و پیمبران خدا را تکذیب نمایند در جهنم مخلد خواهند بود. این بود خلاصه‌ای از قصه آدم که از قرآن کریم استفاده میشود. اختلاف سطح فرموده قرآن و آنچه در تورات است بر هیچ خردمندی پوشیده نیست علاوه نکات و معارفی در این داستان مطابق آنچه قرآن فرموده وجود دارد که بیشتر آن از سطح فکر خواننده بیرون است و قسمتی از نکات این قصه عجیب را بمنظور توضیح مقصود و رفع بعضی از نقاط ابهام بطور اختصار، برشته تحریر می‌آوریم.

الف - در این داستان علت یکی از مرموزترین اسرار کون را ذکر مینمایند، زیرا از قرآن کریم چنین استفاده میشود که سرخلقت بشر و قوف بر حقائق موجود است، برای اینکه آنچه رفع ابهام فرشتگان را نمود و فهمیدند با وجود اینکه خلقت موجود خاک کی مستلزم فساد و خونریزی است، با این وصف خلقت بشر مطابق حکمت عالی الهیه است همان دریای دانش آدم بود که فرشتگان از این علم مخصوص بی خبر بوده و بوسیله این موجود خاک کی تعلم نمودند و اگر صرفاً علت غائی خلقت بشر عبادت حق متعال بود ملائکه همین مزیت را دارا بودند و تسبیح و تقدیس الهی را بدون فساد و خونریزی انجام میدادند.

— لبعض عدو و لکم فی الارض مستقر و متاع الی حین فتلقى آدم من ربه کلمات فتاب علیه انه هو التواب الرحیم قلنا اهبطو منها جمیعاً فاما یا تینکم منی هدی فمن تبع هدای فلا خوف علیهم ولا هم یحزنون . والذین کفروا و کذبوا بایاتنا اولئک اصحاب النار هم فیها خالدون (آیات ۳۴ و ۳۵ و ۳۶ و ۳۷ سوره بقره)

بنابر این آنچه از مجموع این داستان و آیه شریفه **ما خلقت الجن والانس الا ليعبدون** استفاده میشود، این است که علت غائی خلقت بشر عبادت توأم با علم و معرفت است. **والله العالم**.

ب- از این داستان استفاده میشود که آن خیر کثیری که با وجود فساد و خونریزی ایجاب میکند که جامعه بشری تشکیل شده و کره زمین را مسخر کند، وجود شخص شاخص خلیفه الله است که دارای علم و دانش بوده و واقف بر حقایق کون است؛ بحدی که شایسته سجده ملائکه و تعلیم آنان می باشد این مطلب همان اساس مذهب حق است که از اهل بیت پیغمبر صلوات الله علیهم رسیده است. اگر در ابتدای خلقت جامعه بشری که تشکیل از چند فرده میشد، نیازمند بخلیفه بود و احتیاج بموجودی داشته است که عالم بحقایق موجودات باشد در مثل چنین زمانی که جامعه بشر از میلیونها تشکیل میشود، البته نیز محتاج خواهد بود. اگر شر آن زمان که **فی المثل**، کشته شدن یکی از اولاد آدم میباشد بدست دیگری باید تدارک شود بوجود موجودی که سر چشمه علوم است، در این زمان که خونریزی و فساد بسیار زیاد است و گاهی سرتاسر عالم را فرا میگیرد؛ بنحو اولی باید چنین موجودیکه پرچمدار **علم اسماء** است جبران و تدارک شود خلاصه آنکه این داستان از **یک** حقیقتی که شیعه باو معتقد میباشد پرده برمیدارد.

ج - اینکه خداوند میفرماید: از روح خود بآدم دمیدم شاید مقصود همان نفس ناطقه است، زیرا که نفس انسان نمونه ای از الوهیت مطلقه است، همانطوری که خدای متعال خلاق و عالم وحی و مدرك و

ابدی است و صفات وی عین ذات است ، نفس ناطقه انسان نیز دارای چنین مزایا و امتیازات می باشد ، هما نظوریکه علم خداوند متعال حضوری بوده و نسبت بموجودات قیمومت دارد ، نفس انسان نیز چنین است .

و از این بیان شاید حدیث معروف من عرف نفسه فقد عرف ربه معلوم شود و فلاسفه متألّهین بعضی از مسائل الهی را با همین مقایسه حل و روشن نمودند .

این بود آنچه خداوند متعال مقدر فرموده بود که بعنوان مقدمه برشته تحریر در آوریم و اینک وارد مقصد گردیده و موارد اخبار بغیب را از آیات بینات الهیه بعنایة الله تعالی ذکر میکنیم :



پس از ذکر این مقدمه ، که خود نیز بالاستقلال مورد استفاده است بخواست خداوند متعال وارد مقصد گردیده و موارد اخبار بغیب قرآن کریم را ذکر میکنیم :

۱ - قوله تعالی یا ایها الرسول بلغ ما نزل الیک من ربک وان لم تفعل فما بلغت رسالته واللّه یعصمک من الناس ان اللّه لایهدی القوم الکافرین (۱)

ترجمه و بیان آیه - هان ای پیامبر ! برسان چیزی را که فرود آورده شده است بتوازیجا ؛ خداوندت و اگر انجام ندهی ، رسالت او را تبلیغ ننموده ای و خدا از آسیب مردمان محفوظت میدارد . البتّه خدا طائفه



کفار را رہنمائی نمیکنند .

**شأن نزول** - در میان علماء مذهب اهل بیت ، در مورد نزول آیه

شریفه اختلافی وجود ندارد و نزد آنان مسلم است که آیه در روز هجدهم

ذی الحجه سال دهم هجری موقعی که حضرت رسول الله ﷺ از مکه

مراجعت میگردند در نزدیکی جحفه (۱) در محلی که اورا غدیر خم (۲)

مینامند نازل گردیده است و این موضوع مرموزی که در آیه شریفه مورد

تأکید واقع شده ، چیزی جز تبلیغ ولایت و خلافت مولی علی بن ابیطالب

(ع) نیست .

و در کتب اهل سنت هم گذشته از آنکه متجاوز از صد نفر از اصحاب

پیغمبر ﷺ داستان غدیر را نقل نموده و در حدود چهار صد کتاب ضبط نموده اند

صاحب الغدیر (۳) از سی کتاب از کتب آنان نقل میکند که نزول آیه

شریفه در باره داستان مزبور بوده است علاوه بر این دو جهت ، در خود آیه

شریفه نکات و قرائنی است که تأیید و یاروشن میکند که مورد نزول همان

داستان است .

**الف** - از اینکه میفرماید «مطلبی که بشما نازل شده است تبلیغ

فرما» چنین معلوم میشود که قبلاً پیامی از طرف خداوند متعال رسیده بوده،

(۱) این مکان میقات اهل شام است و محازی ذوالحلیفه می باشد میگویند اینکه

اورا جحفه نامیدند برای اینکه سیل اهل آنرا هلاک نموده است و در حقیقت مورد

اجحاف و ظلم سیل واقع شده اند (۲) غدیر یعنی گودالی که آب باران در آن

باقی مانده است و خم را بجائی میگویند که آب و هوای بدی داشته باشد و بگوشت

گندیده میگویند لحم مخم - از مجمع البحرین و قاموس

(۳) جلد اول از ص ۲۱۴ تا ص ۲۲۳ چاپ تهران .

ولی پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله یا از لحاظ آنکه از طرف خدا مأمور نبوده است که فوراً بمردم تبلیغ نماید و طبعاً در صدد فرصت مناسبی برای تبلیغ بوده است و یا چون بر جان خود بیم و هراس داشته و از طرف خدا نیز مأمور بوده است که حفظ جان خود را بنماید فوراً تبلیغ نفرموده است.

(۲) در این صورت شاید پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله در نظر داشته است؛ دم مرگ این پیام لازم را بمردم برساند، یا آنکه از همان ابتدای وحی ملهم بوده است که موقع ابلاغ پیغام، باید از طرف خدا تعیین شود و طبعاً منتظر دستور بوده است. و یا جهات دیگری که بر ما مجهول است.

ب - از اینکه میفرماید اگر خصوص این پیغام را نرسانی رسالت

حقوقاً تبلیغ ننموده ای معلوم میشود پیام مخصوص بسیار امر مهمی است که باید بستگی با اساس دین داشته باشد، خصوصاً با اینکه معلوم است صوم و صلوٰة و قسمتی از فروع مهمه دیگر را پیغمبر اکرم در مکه تبلیغ فرموده بوده است و این آیه که در سوره ایست که تمام آن بعد از هجرت نازل شده مربوط بفرع مذکور نیست.

ج - خداوند متعال میفرماید: خدا تورا از آسیب مردم محفوظ میدارد. این جمله میرساند که وحی مرهوز تماس با احساسات بعضی از مردم متنفذ و قلدر مآب داشته که خداوند متعال وعده داده است که وجود مقدس پیغمبر را از آسیب آنان محفوظ بدارد. و معلوم است بیان اینکه، سگ نجس است و یا مردار و خون حرام است، تماس با منافع مردم بحدی که پیغمبر اکرم خائف باشد ندارد.

د - آیه شریفه بالاتفاق مدنی است یعنی پس از مهاجرت پیغمبر

اکرم صلی الله علیه و آله از منکه، نازل اگر دیده است و البته در آن موقع که پیغمبر در مرکز حکومت خود مستقر بوده و از مشرکین و کفار قریش دور میزیسته و اصحاب و انصار مانند پروانه گردش جمع و وجود مقدسش را گرفته و دارای قشون و قوای کافی بوده تصور نمیرود جز از کسانی که در لباس آشنایگان بودند و با کفر درونی لاف مسلمانان میزدند و در واقع سودپرست و دنبال ریاست دنیا بودند بیمناک باشد. همان آیه است که در این نتیجه است. از آیه استفاده میشود که این وحی مر موز مر بوط با اساس دین و مخالف بازای عده ای از مردمان سودپرست و زورمند بوده است، و این جمعیت در بین خود مسلمانها وجود داشته اند. موضوعیکه واجد نکات مذکوره باشد؛ جز امر خلافت که حافظ و نگهبان دین مبین اسلام است چیز دیگر نیست. پس با توجه بنکات فوق و اجماع دانشمندان شیعه و گفتار عده ای از علماء عامه خصوصاً با اینکه اصل داستان غدیر از متواترات و ضروریات است؛ روشن شد که مورد نزول آیه شریفه غیر داستان غدیر خم نبوده است.

### بیان استدلال برای اثبات مقصود

جمله شریفه «والله یعصمک من الناس» خبر میدهد که پس از این تاریخ ابداً آسیبی به پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله نمیرسد خواننده متوجه باشد که این نوید غیبی به پیغمبری رسیده است که در لیلۃ المبیت اطراف خانه اش را گرفته بودند که او را در رختخواب بکشند و بعضی از همین مسلمانهای صوری برای خیالهای باطل ناقه پیغمبر را رم دادند، برای اینکه پیغمبر اکرم از گردنه پرت شده و بمیرد و در واقعه دیگر، زن یهودی در نظر داشت از

بالای بام سنگ بزرگی بر سرش بیندازد. آری این نوید به پیغمبری داده شده است که در جنگها میرفته و حتی در جنگ احد جان شریفش بخطر افتاد. آیا خبر دادن قرآن باینکه بعد از این آسیبی باو نمیرسد خرق عادت و برخلاف طبیعت نیست؟ مسلماً برخلاف طبیعت است و این خود یکی از معجزات باهرات قرآن است. از برکت نوید الهی پس از این تاریخ حتی صدمات جزئی نیز بایشان نرسید یعنی در هیچ تاریخی منعکس نیست که پس از این واقعه مثلاً کسی دندان پیغمبر صلی الله علیه و آله را شکسته و یا زهری بوی که موجب کسالتش شود خورانده باشد. تمام

